

بحران ناشی از اندوه زیست‌محیطی: مقابله با روان‌زخم زیست‌محیطی و احساس آخرالزمانی در رمان آزادی اثر جان‌اتان فرنزن  
شکوفه ذریه حبیب<sup>۱</sup>، لایلا برادران جمیلی<sup>۲</sup>، بهمن زرین‌جویی<sup>۳</sup>

CLLS-2310-1213

چکیده

امروزه نقش محیط زیست در ادبیات انکارناپذیر است. با وجود بحران‌های زیست‌محیطی اخیر، پردازش معضلات زیست‌محیطی در ادبیات ضروری است. این مقاله مبتنی بر رابطه بین محیط زیست و روان‌زخم است و با محوریت احساس آخرالزمانی، به بررسی رمان آزادی جان‌اتان فرنزن (۱۹۵۹) می‌پردازد. فرنزن، در آزادی، با نگاهی موشکافانه به طبیعت، نقش بسزایی در مطالعات محیط زیستی ایفا می‌کند. وی آزادی را به‌گونه‌ای تصویرسازی می‌کند که گامی مؤثر در بیداری انسان‌ها برای نجات طبیعت به‌شمار می‌آید. خوانش این مقاله میان‌رشته‌ای، بر اساس ترکیب نقد بوم‌گرا، روان‌زخم و احساس آخرالزمانی است. برای تحقق این امر، از مفهوم آخرالزمان زیست‌محیطی لارنس بیوئل استفاده شده است. از منظر بیوئل، آخرالزمان زیست‌محیطی، یگانه استعاره قدرتمند و استادانه قرن حاضر است؛ زیرا اکثر مردم هنوز این واقعیت را که محیط زیست در معرض نابودی کامل است، قبول ندارند و به جدیت این بحران واقف نیستند. انعکاس اندوه زیست‌محیطی در رمان آزادی نشان می‌دهد که فرنزن در صدد است با تغییر نگرش به محیط زیست، در بهبود اوضاع طبیعت گامی مؤثر بردارد. یگانگی فرنزن با طبیعت، جلوه‌گر بازتاب مسائل زیست‌محیطی در آزادی است. هدف وی، کمک به بیداری جهانی انسان‌ها و ترغیب آنان برای یاری‌رسانی به موجوداتی است که خود قادر به نجات خویش نیستند.

**واژگان کلیدی:** طبیعت، روان‌زخم زیست‌محیطی، اندوه زیست‌محیطی، آخرالزمان زیست‌محیطی، فرنزن، لارنس بیوئل

دوره بیستم شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران، ایمیل: [shokofeh632002@yahoo.com](mailto:shokofeh632002@yahoo.com)

<https://orcid.org/0000-0003-2539-3173>

۲. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران (نویسنده مسول)، ایمیل:

[lbjamily@yahoo.com](mailto:lbjamily@yahoo.com)

<https://orcid.org/0000-0003-3402-9189>

۳. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران، ایمیل:

[bzarrinjooee@yahoo.com](mailto:bzarrinjooee@yahoo.com)

<https://www.orcid.org/0000-0003-1047-3242>



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

۴. پاورقی نیاز دارد:مراجعه شود به نظر هایپر آبجکت ها از تیموتی مورتون که معتقد است هایپر آبجکت ها نشان می دهند که پایان جهان فرا رسیده است

## ۱- مقدمه

محیط زیست، پس از جنگ جهانی دوم و انقلاب صنعتی به یکباره دگرگون شد. تسلط انسان بر طبیعت را می‌توان ریشه اصلی بحران زیست‌محیطی دانست، زیرا با گسترش روزافزون فناوری تعادل و تناسب محیط زیست توسط انسان برهم زده شد. اگرچه طی سالیان گذشته طبیعت و انسان رابطه خوبی با هم داشتند، اما انقلاب صنعتی این رابطه دوسویه را تغییر داد. در واقع، بقای انسان‌ها متکی به بقای طبیعت است و هر تغییر ساده در محیط بر عادات موجودات زنده آن، تأثیر می‌گذارد. انسان‌ها از مهلکه‌ای که طبیعت را در آن گرفتار کرده‌اند، ناآگاه هستند. بنابراین، فروپاشی زیست‌محیطی مسئله بغرنج عصر کنونی است؛ زیرا آینده محیط زیست و کل موجودات زنده و اکوسیستم به بقای طبیعت بستگی دارد. با وجود هشدارهای منتقدان محیط زیست، نگرانی‌های زیست‌محیطی همچنان ادامه دارد. از آنجا که آینده کابوس‌وار فروپاشی زیست‌محیطی فراتر از انتظار است، بحران زیست‌محیطی باید جدی تلقی شود؛ لذا با شناخت انواع مختلف مشکلات زیست‌محیطی، انسان‌ها تعادلی بین فن‌آوری و طبیعت برقرار می‌سازند و تسکینی برای طبیعت متضرر می‌باشند.

ثبات و بقای اکوسیستم به ایجاد تعادل بین رفتار انسان و طبیعت بستگی دارد. هرگونه تغییر در وضعیت طبیعت، بر زندگی انسان‌ها و سایر گونه‌های روی زمین تأثیر می‌گذارد. تغییرات فراگیر اکولوژیکی را باید زنگ خطری جدی برای انسان‌ها دانست تا طبیعت را جزئی از خود بدانند. صرف‌نظر از تأثیر زیاد انسان بر طبیعت، پیامدهای زیست‌محیطی عمیق منجر به وقوع آخرالزمان زیست‌محیطی می‌شوند. صنعتی‌شدن، محیط زیست را چنان تحت‌تأثیر قرار داده که فجایع زیست‌محیطی، تهدیدی جدی برای بقای انسان و کره زمین به‌شمار می‌روند. بقای طبیعت به آگاهی افرادی که بر آن تسلط دارند، بستگی دارد. نویسندگانی که درباره طبیعت می‌نویسند، در تلاشند تا زنگ خطر فروپاشی زیست‌محیطی را به‌صدا درآورند؛ به همین دلیل برخی از نویسندگان تصمیم گرفتند تا با تصویرسازی فجایع زیست‌محیطی، مردم را متوجه عواقب این فاجعه نمایند. گروهی از نویسندگان برجسته آمریکایی، با ترسیم بحران زیست‌محیطی در آثار خود به مردم هشدار دادند که دست از رفتار نامعقول و وحشیانه خود با طبیعت بردارند. جان‌اتان فرنزن<sup>۱</sup> (۱۹۵۹)، از نویسندگان آگاه به مسائل زیست‌محیطی است. وی که در

1. Jonathan Franzen

مجله تایمز<sup>۱</sup> به‌عنوان «رمان‌نویس بزرگ آمریکایی»<sup>۲</sup> مورد تمجید قرار گرفت، تلاش کرده در رمان‌ها، مصاحبه‌ها و مقالاتش نگرانی‌های زیست‌محیطی خود را نشان دهد. توجه وی به محیط زیست در زندگی‌اش نیز منعکس شده است. علاقه او به پرندنگری، زمانی آغاز شد که در سال ۲۰۰۵ به تگزاس جنوبی سفر کرد و در آنجا سه اردک قهوه‌ای کم‌رنگ را دید. پرندنگری، فرزن را با جهان جدیدی آشنا ساخت؛ به‌نحوی که در بازگشت به نیویورک، به شخص دیگری تبدیل شد. به‌طوری‌که به‌دلیل علاقه جدیدش به پرندگان، دوستانش قادر به شناخت او نبودند. او خود را وقف پرندگان و زندگی آن‌ها نمود و دغدغه‌های زیست‌محیطی، او را وارد مرحله جدیدی کرد تا با تمام توان، برای گسترش آگاهی زیست‌محیطی قدم بردارد.

فرزن دریافت که پرندگان راهی برای نجات خویش نمی‌یابند. گونه‌های در معرض خطر، نیاز به کمک داشتند و بی‌تردید، این مشکلات پرندگان، تهدیدی زیست‌محیطی برای آمریکا به‌شمار می‌رفت. وی معتقد است که انسان‌ها برخلاف پرندگان که قادر به انتخاب‌های متنوعی نیستند، توانایی جلوگیری از بلایا را دارند. زندگی پرندگان به طبیعتی بستگی دارد که در معرض خطر جدی است و انسان‌ها باید برای نجات آن، فوراً اقدام کنند. اگرچه پرندگان عمر کوتاهی دارند، اما سزاوار نجات هستند. فرزن از این‌که زودتر از مشکلات پرندگان آگاه نشده، اظهار تأسف می‌کند. گویی که او مدیون پرندگان است، زیرا در «دغدغه‌هایم درباره پرندگان»<sup>۳</sup> اشاره می‌کند که اگر زودتر به علاقه‌اش پی‌می‌برد، می‌توانست زندگی متفاوتی را تجربه کند (۱۴۵). تماشای پرندگان به او صبر و شکیبایی آموخته است.

فرزن معتقد است که انسان‌ها باید هرچیزی را که دوست دارند، نجات دهند. وی می‌کوشد تا توجه انسان‌ها را به پیگیری فجایع زیست‌محیطی معطوف نماید. وی به‌دلیل عشقش به پرندگان، سعی در نجات آن‌ها دارد؛ زیرا آن‌ها قادر به تسلط بر محیطی که توسط انسان‌ها ویران شده، نیستند. تغییرات و تخریب طبیعت، بسیار سریع رخ می‌دهند و پرندگان توانایی وفق با این تغییرات را ندارند. فرزن می‌داند که پرندگان به کمک انسان‌ها نیاز دارند، زیرا نه‌تنها محل زندگی، بلکه برخی از گونه‌های آن‌ها در معرض خطر هستند. به اعتقاد وی پرندگان شبیه انسان‌ها هستند، زیرا خانه‌های

1. TIME

2. Great American Novelist

3. My Bird Problem

پیچیده می‌سازند و خانواده‌های خود را در خانه‌هایشان سکنی می‌دهند. پرندگان پل‌های ارتباطی بین انسان و محیط زیست هستند، اما به دلیل بی‌احتیاطی انسان‌ها نسبت به طبیعت و سایر موجودات زنده، به شدت در معرض نابودی هستند. شباهت‌های عمیقی بین انسان و پرندگان هست. آن‌ها احساساتی هستند و زندگی انسان را سرشار از شادی می‌کنند و رنگ، صدا و سرزندگی را به زندگی انسان می‌افزایند. حضور پرندگان لذتی ناملوس به زندگی انسان می‌بخشد و آن را غنی می‌کند. پرندگان نقش بسزایی در حفظ تعادل در طبیعت دارند و عشق به آنان برای آینده این کره خاکی و بشر، بسیار حائز اهمیت است.

تلاش فرزندان برای آگاه‌سازی انسان‌ها درباره آخرالزمان زیست‌محیطی و همچنین اندوه ناشی از آن، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این مقاله ضمن بررسی چگونگی ارتباط روان‌زخم با آخرالزمان زیست‌محیطی در رمان آزادی، بر آن است که این پرسش‌ها پاسخ دهد: فرزندان چگونه انسان‌ها را از قریب‌الوقوع بودن آخرالزمان آگاه می‌سازد؟ و بحران ناشی از روان‌زخم زیست‌محیطی آخرالزمانی در رمان آزادی چگونه به‌تصویر کشیده شده است؟

## ۲- پیشینه تحقیق

اگرچه آثار فرزندان، پژوهشگران و محققان زیادی را به خود جلب کرده، اما روان‌زخم زیست‌محیطی آخرالزمانی در هیچ‌کدام از این تحقیقات مورد بررسی قرار نگرفته است. مروری بر تحقیقات انجام‌شده در زمینه آثار فرزندان و همچنین اهمیت طبیعت در آثار وی، سودمند است. در جاناتان فرزندان در پایان پسامدرنیسم (۲۰۰۸)، استفان جی‌برن<sup>۱</sup> دیدگاه نظری و انتقادی فرزندان را مورد کنکاش قرار داده و با تحلیل همه‌جانبه رمان‌ها و زمینه نگارش آن‌ها، بر داستان‌های او تمرکز دارد. او اشاره کرده که در «جنبش شدید<sup>۲</sup> (۱۹۹۲)»، «گمان‌های زیست‌محیطی فرزندان پیچیده هستند»، زیرا وی مجذوب اکوفمینیسم شده است (Burn 67). برن همچنین استدلال می‌کند که تقویت مضامین فرزندان، به دلیل ساختارهای موجود در رمان‌های اوست. وی معتقد است که فرزندان در آثارش بر طبیعت متمرکز شده است (۶۶).

1. Stephen J. Burn

2. Strong Motion

نیکلاس جوزف<sup>۱</sup> در رساله‌ای با عنوان «حاشیه میانی: دیوید فاستر والاس، جاناتان فرنزن و رمان آمریکایی (۲۰۱۳)» از فرنزن به‌مثابه یکی از برجسته‌ترین رمان‌نویسان آمریکایی در بیست‌وپنج سال گذشته یاد می‌کند. به‌گفته جوزف، فرنزن «نگرانی‌های داستان‌های آمریکایی در اواخر قرن بیست‌ویکم» را به‌تصویر کشیده است (۴). جوزف معتقد است، والاس و فرنزن با بسیاری از دغدغه‌های داستان و فرهنگ آمریکایی در آغاز قرن بیست‌ویکم مبارزه کردند و هر دو از نویسندگان درخشان داستان‌نویسی قرن بیست‌ویکم می‌باشند. والاس و فرنزن دریافته‌اند که «قلمرو با جغرافیا یا فرهنگ مرتبط نیست» و داستان‌ها جامعه‌ای از خوانندگان را به‌هم پیوند می‌دهند (جوزف، ۷۸). وجه تمایز این مقاله با رساله‌ی جوزف در این است که در این مقاله ارتباط مکان با فرهنگ و طبیعت در رمان آزادی نشان داده می‌شود.

ژسوس بلانکو هیدالگا<sup>۲</sup> در رساله‌ی دکتری خود با عنوان «عاشقانه‌ای در جامعه: فرم و ایدئولوژی در داستان‌های جاناتان فرنزن (۲۰۱۵)» معتقد است که با وجود اهمیت داستان‌های فرنزن، آثار وی کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در راستای تکمیل این شکاف آشکار، وی هر یک از پنج رمان فرنزن را به‌ترتیب زمانی تجزیه و تحلیل می‌کند تا منطقی‌درونی را آشکار کند. او با ادغام دیدگاه‌های مختلف رسمی و ایدئولوژیکی برای درک بهتر آثار فرنزن، نشان می‌دهد که مفاهیم رستگاری و روایت‌های عاشقانه، در آثار فرنزن جاری هستند. وی حتی با ارزیابی مجدد و بسط تفاسیر آشنا از آثار فرنزن، بیان می‌کند چگونه این روایت‌های رستگاری برای مشروعیت‌بخشی به خود نه‌تنها توسط شخصیت‌ها، بلکه خود نویسنده استفاده می‌شوند. هیدالگا با دیدگاهی انتقادی و تفسیری، رویکرد نظری جدیدی درباره این نویسنده بزرگ معاصر ارائه می‌دهد. وی معتقد است که در رمان‌های فرنزن، نگرانی‌های زیست‌محیطی ثابت هستند (۳۶۵).

جورجیا توماسی<sup>۳</sup>، در مقاله «شایعات بین رسانه‌های اجتماعی و داستان: رمان آزادی جاناتان فرنزن (۲۰۱۵)»، با در نظر گرفتن اثر اینترنت و رسانه‌های اجتماعی بر شیوه زندگی مردم، وجود شایعات در ادبیات و سریال‌های تلویزیونی معاصر آمریکایی را بررسی می‌کند. توماسی اشاره می‌کند که اگرچه شایعات پدیده‌ای جدید هستند،

1. Nicholas Joseph
2. Jesus Blanco Hidalgo
3. Georgia Tommasi

اما «تصویرهای داستانی شایعات در اولین اشکال ادبیات یافت می‌شوند» (۲۵۳). در آزادی، شایعات مانند ابزاری ساختاری عمل می‌کنند که در تشکیل طرح یا حتی شخصیت‌پردازی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این رمان، شایعات به شکل سنتی خود به عنوان تعاملی رودررو بازنمایی می‌شوند. به گفته توماسی، مرز بین داستان و شایعه، بسیار باریک است.

در زمینه نقد بوم‌گرا، در مقاله‌ی «تحلیل گفتمان زیست‌محیطی-فرهنگی رمان روایت ندیمه اثر مارگارت اتوود» دیانوش صانعی و جلال سخنور سعی بر کنکاش در نقش طبیعت و فرهنگ در خوانش بوم‌گرایانه دارند. آن‌ها با بررسی رمان روایت ندیمه خاطر نشان می‌سازند «دنیای امروز، از نظر فجایع زیست‌محیطی، تخریب منابع طبیعی و تغییرات آب‌وهوایی، وضعیتی بحرانی دارد» (۲۱۰). محیط زیست به عنوان عاملی برای پیدایش متن، نقش فاعلی را عهده‌دار می‌شود که بازتاب زمانه است. اتوود معضلات موجود در روایت ندیمه را به فجایع زیست‌محیطی نسبت می‌دهد و معتقد است «نگاه انسان‌محور به این فجایع هرگز پاسخگو و منشأ اثر نخواهد بود» (۲۲۸). در روایت ندیمه، اتوود می‌کوشد به انسان‌ها هشدار دهد که با ادامه روند کنونی سوءاستفاده از طبیعت، چه بر سر بشریت می‌آید.

### ۳- مبانی نظری پژوهش: آخرالزمان و روان‌زخم زیست‌محیطی

نقد بوم‌گرا، روان‌زخم<sup>۱</sup> و مفهوم آخرالزمان<sup>۲</sup> به عنوان چارچوب‌های نظری اصلی این مقاله، مفاهیم متمایزی هستند که با یکدیگر درهم تنیده شده‌اند تا نقش بی‌بدیل خود را در ادبیات جهان پسامدرن نشان دهند. با بررسی نقد بوم‌گرا، روان‌زخم و مفهوم آخرالزمان، تأثیر این اصطلاحات بر دنیای و رای جنگ‌های جهانی روشن می‌شود. روان‌زخم زیست‌محیطی، شکل متمایز روان‌زخم است که مربوط به رنج ناشی از درک انسان از آخرالزمان زیست‌محیطی می‌شود و شاید برای بیان دامنه شدت و حالت روان‌زخم ناشی از پایان آخرالزمانی طبیعت استفاده شود. تغییرات محیطی به طرز عجیبی با روان انسان آمیخته شده‌اند. در نتیجه، روان‌زخم زیست‌محیطی در صدد است تا جنبه‌های چندبعدی روان‌زخم آخرالزمانی را که در انتظار محیط زیست است، بیان

---

1. Ecocriticism  
2. Trauma  
3. Apocalypse

نماید. افرادی که روان‌زخم زیست‌محیطی را تجربه کرده‌اند، در صورت ارتباط نزدیک با طبیعت، بهبود می‌یابند.

نقد بوم‌گرا اواسط دهه هشتاد ظهور کرد، اوایل دهه نود توسعه یافت و بر این واقعیت تمرکز دارد که بقای طبیعت درگرو احترام به محیط زیست است. یعنی نقد بوم‌گرا بر احساس مسئولیت انسان در برابر محیط زیست تأکید می‌کند. لارنس بیوئل، به‌عنوان پیشروی اکوانتقادی، بر محیط زیست و ادبیات تمرکز دارد. نقش تخیل محیطی در ادبیات توسط بیوئل، در تخیل محیطی: ثورو، نگارش طبیعت و شکل‌گیری فرهنگ آمریکایی (۱۹۹۵)، برای بررسی تغییراتی که شاید در ارتباط متقابل نوع بشر و محیط ظاهر شود، بررسی می‌شود. از آنجا که تخریب بی‌رویه طبیعت موجب خموشی طبیعت شده، بیوئل مصمم بود صدای طبیعت باشد، زیرا معتقد است «طبیعت خود طبقه‌ای ستمدیده و خاموش و نیازمند سخنگو است» (۲۱-۲۰). وی با پردازش فاجعه زیست‌محیطی، می‌کوشد انسان‌ها ارتباط بهتری با طبیعت داشته باشند.

آخراالزمان زیست‌محیطی استعاره‌ای استادانه برای بیوئل است. او آخراالزمان را استعاره‌ی محوری برای نقد بوم‌گرا می‌داند، زیرا آینده تمدن بشری درگرو آن است. برای بیوئل، درک تهدید اکولوژیکی خطرناک‌تر از تهدید استراتژیکی است؛ زیرا اکثر انسان‌ها از اهمیت حیاتی آخراالزمان زیست‌محیطی آگاه نیستند. گویی برخی از مردم با فروپاشی زیست‌محیطی، اهمیت محیط زیست آخراالزمانی را خواهند پذیرفت. مسائل زیست‌محیطی، دلیل اصلی فروپاشی زیست‌محیطی این سیاره است. هرچند آخراالزمان زیست‌محیطی به زندگی انسان‌ها در این سیاره پایان می‌دهد، اما بر روان آن‌ها نیز اثر می‌گذارد و مردم را بیدار می‌کند تا در حفظ محیط زیست طبیعی خود کوشا باشند.

باتجربه روان‌زخم زیست‌محیطی، هر فرد دوستدار محیط زیست، غم و اندوه زیست‌محیطی را تجربه می‌کند. هر فاجعه زیست‌محیطی تأثیر قابل‌توجهی بر روان افراد دوستدار محیط زیست می‌گذارد. هنگامی که فرد دوستدار محیط زیست متوجه عمق فاجعه زیست‌محیطی می‌شود، نوعی آسیب کاملاً ناشناخته، جدید و غیرمعمولی را تجربه می‌کند که آسیب‌های زیست‌محیطی نامیده می‌شوند. غم و اندوه زیست‌محیطی تهدید روانی جدی برای دوستدار محیط زیست محسوب می‌شود، زیرا تمام آسیب‌های قبلی را به‌صورت مستمر یادآوری می‌کند و تا زمانی که توسط طبیعت درمان نشوند،

دائماً آسیب‌زای می‌باشند.

غم و اندوه زیست‌محیطی، حاصل پیوند پیچیده انسان و محیط زیست است، زیرا طبیعت در حال فروپاشی است. به گفته آنیل نارین، بازخورد تداوم تخریب و آسیب‌رسانی به طبیعت به شکل کنترل‌ناپذیری در انسان‌ها قابل مشاهده است (Narine). وی روان‌زخم زیست‌محیطی را این‌گونه تعریف می‌کند: «آسیبی که ما به‌عنوان انسان به محیط طبیعی خود وارد می‌کنیم، یا آسیب‌هایی که از طبیعت در تکرارهای نابخشودنی آن متحمل می‌شویم» (Narine). طبیعت انسان‌ها را مجازات می‌کند، زیرا آن‌ها طبیعت را به‌سوی آخرالزمان زیست‌محیطی سوق می‌دهند. نارین طبیعت را موجودی متعالی و جاودانه می‌داند. بشر در حالی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با فجایع زیست‌محیطی مواجه می‌شود، مبهوت طبیعت می‌گردد. علاوه‌براین، اگرچه بلایای زیست‌محیطی بشر را از نظر روانی فلج می‌کند، طبیعت با همه این بلایای آخرالزمانی، به‌شکلی باشکوه به حیات خود ادامه می‌دهد. از آنجایی که برخی از انسان‌ها به طبیعت آسیب می‌رسانند، افراد دوستدار محیط زیست در معرض رویارویی با غم و اندوه محیط زیستی هستند. سوگ زیست‌محیطی، واکنش انسان به بلایایی است که محیط زیست را تهدید می‌کنند. روان‌زخم زیست‌محیطی انسان را مجبور به اصلاح نابسامانی‌هایی می‌کند که منجر به ویرانی طبیعت شده‌اند. آسیب‌های زیست‌محیطی به انسان‌ها می‌گوید که پایان طبیعت در حال نزدیک شدن است. بنابراین، انسان‌ها برای نجات نسلشان ابتدا باید طبیعت خود را نجات دهند. به گفته نارین، آسیب‌های زیست‌محیطی نوع جدیدی از واکنش را به‌همراه دارند. وی معتقد است که مردم با غریزه خود به فاجعه معنا می‌دهند و هنگام برخورد با حادثه‌ای آسیب‌زن، آن را رویدادی فوق‌العاده معنادار می‌دانند. بنابراین، آن‌ها به فاجعه زیست‌محیطی در جهان واکنش نشان می‌دهند تا آن را متوقف کنند. هر رویداد غم‌انگیزی در طبیعت، به افراد دوستدار محیط زیست آسیب وارد می‌کند و آن‌ها خود را ملزم می‌کنند قدمی برای ترغیب سایر انسان‌ها به دوستی بیشتر با طبیعت بردارند. زیرا انسان‌ها تنها قربانیان فاجعه زیست‌محیطی در طبیعت نیستند، بلکه تمام موجودات زنده در معرض خطر و آسیب جدی قرار دارند. آسیب‌های زیست‌محیطی روابط بین طبیعت و انسان را بهبود می‌بخشند؛ زیرا وضعیت آسیب‌زا در طبیعت منجر به حالتی آسیب‌زا برای انسان می‌شود و درنهایت، هر دو از آسیب‌های آخرالزمان زیست‌محیطی



رنج می‌برند.

#### ۴- آگاه‌سازی مردم درباره قریب‌الوقوع بودن آخرالزمان زیست‌محیطی

فاجعه زیست‌محیطی اثر مستقیم بر زندگی انسان دارد، زیرا سرنوشت انسان با بقای طبیعت گره خورده است. سرجیو فاوا<sup>۱</sup>، در کتاب آخرالزمان محیطی در کابوس‌های طراحی‌شده علم و هنر، بیان می‌کند که در طول تاریخ، پایان جهان در سراسر جهان دور از انتظار نبوده است. فاوا معتقد است که آخرالزمان محیطی که در روایت آخرالزمانی به‌تصویر کشیده می‌شود، «پایانی ناگهانی، و توفقی بی‌معنا» نیست. مسائل زیست‌محیطی مطرح‌شده در متون ادبی، اغلب بحران اکولوژیکی را با پایان جهان مرتبط می‌کنند. انعکاس ویرانی‌های محیطی در متون ادبی، روش جدیدی برای اطلاع‌رسانی به مردم نیست: «انتظارات فاجعه سیاره‌ای یا آخرالزمان کیهانی در یونان، آمریکا، شمال اروپا، اقیانوس آرام، مسیحیت، بودائی‌ها، ایرانی‌ها و بسیاری از ملل، فرهنگ‌ها و باورهای دیگر برجسته شده است» (فاوا، ۱). نابودی محیط زیست آن‌قدر جدی است که در طول تاریخ و تمام فرهنگ‌ها، بیان شده است. به‌نظر می‌رسد این بازتاب‌ها، نابودی کامل سیاره را پیش‌بینی نکرده‌اند و رویدادهای آخرالزمانی به‌طور اجتناب‌ناپذیری به پایان زندگی در این سیاره منجر نشده است.

فجایع زیست‌محیطی در متن ادبی مطرح می‌شود تا بشریت را از مشکلات جدی که زمین با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، آگاه سازد. دیوید والاس ولز<sup>۲</sup> در کتاب زمین غیرقابل سکونت: داستانی از آینده می‌نویسد: «این بدتر، بسیار بدتر از چیزی است که فکر می‌کنید» (۳). اطلاع‌رسانی به مردم درباره نزدیک شدن به آخرالزمان زیست‌محیطی، یکی از اهداف فرزنز از نگارش رمان‌هایی درباره محیط زیست است. او به معضل پیش‌روی طبیعت که همان خطر نابودی اکوسیستم و گونه‌های در معرض خطر است، آگاه است و می‌داند که نابودی اکوسیستم چندان هم دور نیست. وی معتقد است که انسان‌ها در زمان محیط زیست آخرالزمانی زندگی می‌کنند. وی در کتاب اگر از تظاهر<sup>۳</sup> دست برداریم چه می‌شود؟ می‌نویسد:

و سپس موضوع امید وجود دارد. اگر امید شما به آینده به یک سناریوی بسیار

1. Sergio Fava

2. David Wallace-Wells

3. What If We Stopped Pretending?

خوش‌بینانه بستگی دارد، ده سال بعد، زمانی که این سناریو حتی در تئوری غیرقابل اجرا شود، چه خواهید کرد؟ کاملاً از این سیاره دست بکشیم؟ [...] اما نکته واقعاً معنی‌دار این است که امروز خوب است، تا زمانی که چیزی برای دوست‌داشتن و چیزی برای امیدواری دارید (۱۸).

فرزن با اشاره به امید، معتقد است که اگر انسان‌ها به سیاره‌ی زمین و تمام موجودات زنده اهمیت دهند، باید امیدوار باشند تا بتوانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فاجعه‌ی زیست‌محیطی انجام دهند؛ زیرا تنها در این صورت امیدی برای پیشگیری از این فاجعه قابل تصور است. فرزن برای بیداری و هوشیاری مردم این سیاره می‌کوشد و از مردم می‌خواهد چیزهایی را که واقعاً دوست دارند، حفظ کنند. انسان‌ها با صرفه‌جویی هرچه دوست دارند، به محیط زیست یاری می‌رسانند و از نزدیک شدن به آخرالزمان محیطی بیزارند. آخرالزمان زیست‌محیطی یکی از مشکلات کلیدی پیش‌روی جهان است. با وجود پیشرفت‌های فناورانه فراوان، متأسفانه آن‌ها اثرات منفی بر محیط زیست طبیعی دارند. فرزن از مردم می‌خواهد که عملی ساده و موثر برای نجات هر آنچه دوست دارند، انجام دهند و تا قبل از فروپاشی طبیعت، دنیای بهتری بسازند. به‌نظر وی، نجات طبیعت نه‌تنها دغدغه، بلکه تبدیل به نقطهٔ بقا شده است. مردم باید دست‌به‌دست هم به محیط زیست یاری رسانند و آنچه از طبیعت به‌جا مانده را نجات دهند تا آینده آن‌قدرها که به‌نظر می‌رسد، وحشتناک نباشد. همان‌گونه که بیوئل اشاره می‌کند، دیر یا زود، انسان با فاجعه‌ی زیست‌محیطی مواجه خواهد شد (۴). بهمن زرین‌جویی معتقد است که «امروزه باید زمینه را برای مباحث میان‌رشته‌ای با هدف رفع معضلاتی که انسان برای طبیعت ایجاد کرده، فراهم نمود؛ زیرا آینده زندگی زمین، طبیعت و انسان، عواقب جبران‌ناپذیر و تلخی را تجربه خواهند کرد» (۱۰۴). انسان‌ها فراموش کرده‌اند که طبیعت برای انتفاع، نه استفاده از منابع و تهی‌سازی آن، به آن‌ها اعطا شده است. با بررسی تمام موجودات زنده، درمی‌یابیم که انسان مخرب‌ترین نیرو می‌باشد.

نگرانی والتر، شخصیت اصلی و قهرمان رمان آزادی، برای طبیعت، بیانگر نگرانی فرزن برای این سیاره است. والتر معتقد است که انسان‌ها فرصت زیادی برای حفظ محیط زیست ندارند:

موضوع این است که زمین به‌قدری به‌سرعت درحال ناپدید شدن است که انتظار از دولت‌ها برای حفاظت آن، ناامیدکننده است. مشکل این است که دولت‌ها توسط اکثریتی

انتخاب می‌شوند که درباره تنوع زیستی حرفی نمی‌زنند. [...] دلیل شروع به حفاظت وین هیون<sup>۱</sup> از مزارع خود در تگزاس، علاقه به شکار پرندگان بزرگ‌تر و تماشای پرندگان کوچک‌تر بود. نفع شخصی، بله، اما یک برد-برد کامل. درباره حصارکشی زیستگاه برای حفاظت در مقابل توسعه، تبدیل شدن به چند میلیارد، بسیار ساده‌تر از آموزش رأی‌دهندگان آمریکایی است که از کابل، ایکس‌باکس و پهنای باند خود کاملاً راضی هستند (۲۱۲).

برای والتر آینده‌سایاره، پیچیده و تأسف‌بار است؛ زیرا دولت‌ها اقدام لازم برای حفاظت از زمین را انجام نمی‌دهند و هر سال از بودجه‌ی محیط زیست می‌کاهند. سرعت نابودی زمین فراتر از تصور مسئولان است و دوستداران طبیعت باید خود دست به کار حفاظت از زمین شوند. وی می‌گوید نجات اکوسیستم و بازیابی آن، غیرممکن است (۳۲۴). حتی استفاده از انرژی‌های سبز نیز بحران را حل نمی‌کند و سیاره زمین، هیچ شانسی برای زنده ماندن ندارد. تلاش برخی از انسان‌ها نیز برای نجات محیط طبیعی کافی نیست. به اعتقاد والتر تنها راه حل این است که مردم را وادار به تغییر طرز فکرشان کرد (۴۹۵). به نظرش، سایر پیشنهادها احمقانه هستند، زیرا قادر به توقف این فاجعه زهرآگین نیستند. وقوع آخرالزمان زیست‌محیطی برای فرزند آن‌قدر بدیهی است که والتر را فردی به‌تصویر می‌کشد که امیدی به بهبودی اوضاع ندارد. والتر امیدوار است که طبیعت پس از فروپاشی خود را بازیابی کند. «به‌محض سقوط، فرصتی برای اکوسیستم‌ها برای بازیابی وجود خواهد داشت، اما به شرطی که طبیعتی باقی بماند» (۳۲۳). مشکل اصلی وی، ایمن‌سازی محیط زیست برای بهبودی آن است. به اعتقاد بیوئل، هویت و منیت انسان، متکی به مکان زندگی است (۵۵). والتر قبل از مرگ سعی در حفظ محل زندگی خویش دارد<sup>۲</sup>: «خب، قبل از این که بمیرم، سعی می‌کنم یک سنگر ایجاد کنم؛ یک پناهگاه. چیزی که به چند اکوسیستم کمک می‌کند تا از نقطه اوج خود عبور کنند. اینجا کل پروژه است» (۳۲۳). اگرچه هدفش برای همسرش پتی ناکارآمد است، اما او مصمم است سهم خود را برای رهایی از غم و اندوه زیست‌محیطی انجام دهد.

## ۶- اجتناب‌ناپذیری اندوه زیست‌محیطی

1. Vin Haven
2. Writing for an Endangered World" Literature and Environment in the U.S. and Beyond

وقوع سوگ زیست‌محیطی، اجتناب‌ناپذیر است. اگرچه گویی زمان زیادی تا فروپاشی زیست‌محیطی باقی است، اما برای افراد دوستدار محیط زیست، وقوع آن واضح است. برخی از مردم بر این باورند که انسان‌های نسل آینده، آخرالزمان زیست‌محیطی را تجربه می‌کنند، اما این امر چندان دور نیست. فاجعه، زمانی برای سایر افراد قابل لمس است که شخصاً بحران زیست‌محیطی را تجربه می‌کنند. نگاه انسان به طبیعت خنثی نیست. انسان‌ها سعی در حفظ محیطی دارند که خواسته‌ها و نیازهای آن‌ها را برآورده می‌کند. اثرات بحران زیست‌محیطی در زندگی افرادی که بر اساس تجربه شخصی خود نگران مسائل زیست‌محیطی هستند، به‌وضوح مشاهده می‌شود. پاسخ انسان به آخرالزمان محیطی بر اساس اثرات محیطی بر آن‌ها می‌باشد، زیرا انسان خود را جزئی جدایی‌ناپذیر از طبیعت می‌داند. انسان‌ها به محیط زیست وابسته‌اند؛ در نتیجه باید مراقب آن و نگران بحران محیطی باشند، زیرا مسائل زیست‌محیطی بر روان انسان تأثیر می‌گذارند. ژیا و وودبری<sup>۱</sup>، به آسیب‌های ناشی از بحران محیطی، اشاره می‌کند و معتقد است که انسان‌ها نمی‌توانند برخی از حقایق تاریک درباره طبیعت را «نبینند» زیرا بر روان آن‌ها تأثیر می‌گذارد و جهان‌بینی و همچنین جایگاه آن‌ها در این سیاره را تغییر می‌دهد:

هنگامی که از گستره، عمق و سرعت شتابان واقعی آن آگاه شدیم، سپس شروع به مشاهده هرچیز دیگری از دریچهٔ آسیب‌زای بحران آب‌وهوا می‌کنیم - از ناهنجاری‌های آب‌وهوا گرفته تا بحران‌های سیاسی و اختلالات قطبی؛ از تهدید هسته‌ای و جنگ تا غیبت پرندگان آوازخوان و زنبورهای عسل در طبیعت‌گردی ما؛ از تحولات آخرالزمانی در خاورمیانه تا آخرین فیلم ابرقهرمانی<sup>۲</sup> (۵).

وودبری معتقد است که روان‌زخم، تصمیمات و اقدامات انسان را طی حیات در این سیاره، کاملاً تغییر می‌دهد. بنابراین، باید به انسان‌ها آموزش داد که تحت تأثیر پیامدهای آسیب‌زای بحران زیست‌محیطی قرار نگیرند؛ زیرا پذیرش و آمادگی انسان برای روان‌زخم آخرالزمانی، نشانه پذیرش تأثیرات روانی بلایای محیطی است.

تأثیر بحران زیست‌محیطی بر روان انسان، قابل ردیابی است؛ بنابراین افسردگی و اضطراب، از آثار این رویدادهای فاجعه‌آمیز است. سوزان کلایتون و همکاران<sup>۳</sup>، در «قراتر از طوفان‌ها و خشک‌سالی‌ها: آثار روانی تغییرات آب‌وهوایی»، نشان می‌دهند که

1. Zhiwa Woodbury
2. Suzan Clayton et al.

برخی از اثرات روانی، مستقیم و برخی دیگر غیرمستقیم‌تر هستند. اثرات مستقیم بر آسایش افراد اثرگذار و سایر اثرات به‌شکل افسردگی یا اضطراب قابل مشاهده است (۱۲). از آنجا که «تأثیر فیزیکی و روانی تغییرات آب‌وهوایی مرتبط با هم هستند» (۱۴)، اثرات فیزیکی بحران زیست‌محیطی همه‌جا مشاهده می‌شود و آثار روانی‌اش نیز همواره باقی می‌ماند؛ زیرا عملکرد روان‌شناختی و سلامت روان انسان با تأثیر بلایا و تغییرات در محیط طبیعی تغییر می‌کند:

بلایای با احتمال آسیب روانی فوری و شدید، ناشی از آسیب شخصی، آسیب یا مرگ یکی از عزیزان، آسیب یا از دست دادن اموال شخصی [...] و اختلال در معیشت یا از دست دادن آن [...] است. وحشت، خشم، شوک و سایر احساسات شدید منفی، احتمالاً بر واکنش اولیه افراد به یک فاجعه غلبه دارد و استرس تروماتیک حاد، معمول است [...] مصاحبه‌کنندگان در مطالعه‌ای درباره سیل [...] از کلماتی مانند «هولناک»، «هراس گرفتار» و «متحجر» برای توصیف تجربه‌شان در زمان سیل استفاده کردند (۱۸).

به اعتقاد کلایتون و همکاران، افسردگی، نگرانی، غم و اندوه در افرادی که رویداد محیطی حاد آسیب‌زا را تجربه می‌کنند، بسیار شایع است. حتی برخی افراد پس از بحران محیطی «حملات پانیک، مشکل در خوابیدن، انگیزه پایین و رفتار وسواسی» را تجربه می‌کنند (۱۸). از آنجا که بلایای طبیعی بحران‌های دیگری مانند بحران فناوری یا ساختاری را به‌دنبال دارند، وضعیت آسیب‌زای افراد به‌دلیل مقابله با استرس، منجر به فروپاشی آن‌ها می‌شود. اگرچه غم و اندوه، واکنشی طبیعی به فاجعه یا رویدادی تروماتیک در نظر گرفته می‌شود، اما روان‌زخم زیست‌محیطی طولانی‌تر است.

فرزنان شخصیت‌های متفاوتی با علائم روان‌زخم‌های مختلف ناشی از فروپاشی زیست‌محیطی، پدید آورده است. به‌نظر ناربین، روان‌زخم زیست‌محیطی نتیجه تضادهایی است که دوره کنونی اضطراب را تعریف می‌کنند، زیرا انسان‌ها آگاهند که «اکوسیستم در معرض خطر است» (۲). بحران‌های زیست‌محیطی توسط انسان مشابه آسیب تلقی می‌شوند، زیرا آن‌ها در تلاش برای سرکوب بحران هستند تا مانع اثرات تحریک‌کننده آن شوند. پیوند روح و روان با طبیعت، انسان را وادار می‌کند با دفاع از طبیعت، از خود نیز دفاع کند. به همین منظور با این که محیط زیست اولویت کشورها نیست، سعی در محافظت از آن می‌کنند.

والتر مانند محیط‌بانی به‌تصویر کشیده شده که به‌دلیل عشق به تمام موجودات

زنده، مشکلات روانی دارد. وی تمام تابستان را صرف مشاهده و مستندسازی پرندگان کرد تا احساس تنهایی نکند. تلاش فرزن برای تصویرسازی فاجعه زیست‌محیطی احتمالی، به‌طور غیرمستقیم منجر به اقدامات محسوس والتر می‌شود که آشکارا از همسایگانش می‌خواهد که گربه‌ها را در تابستان برای نجات پرندگان در معرض خطر، در خانه نگه دارند. والتر با وجود مشکلات روحی دوران کودکی، علاقه‌اش به طبیعت و پرندگان را کشف کرد. وی گفت «به‌نظر من، تفاوت این است که پرندگان صرفاً برای ادامه‌ی بقا، مجبور به کشتن سایر موجودات هستند و این‌کار را با عصبانیت و خواست خود انجام نمی‌دهند. به‌نظر من، این عصبانیت و خشم نیست، بلکه چیزی است که تعادل و آرامش را در طبیعت برقرار می‌کند» (۴۹۰).

والتر جنبه‌های تاریک زندگی خود را با عشق روشن می‌کند: عشق به لالیتا، دستیار و معشوقه‌اش و علاقه شدید به پرندگان. درواقع، روان‌زخم والتر به او کمک می‌کند تا وضعیت تروماتیک طبیعت را ببیند و با آن همدردی کند. وی با حضور در طبیعت بسیار تغییر کرده، به‌راحتی عصبانی نمی‌شود و انگار با نزدیکی به طبیعت، این سکوت و صبر را کسب کرده است. جودیت لوئیس هرمان<sup>۱</sup> در کتاب روان‌زخم و درمان: پیامدهای خشونت - از سوءاستفاده خانگی تا ترور سیاسی، اشاره می‌کند: «مطالعه روان‌زخم روحی، مواجهه با آسیب‌پذیری انسان در دنیای طبیعی و توانایی با شرارت در طبیعت انسان است» (۷). برای هرمان، مطالعه روان‌زخم روحی، معادل مشاهده حوادث وحشتناکی مانند بلایای طبیعی است. در این صورت قربانی نمی‌تواند بار دردش را تقسیم کند. بنابراین، از آنجا که طبیعت با سوق دادن به سمت افراط و تفریط قربانی‌شده، اقدام جدی می‌طلبد.

والتر فکر می‌کند با ترغیب انسان‌ها برای مراقبت از محیط زیست و موجودات زنده، حیوان مورد علاقه و طبیعت محبوبش را نجات می‌دهد. هر تغییر محیطی، بر انسان‌ها تأثیرگذار است، زیرا آن‌ها مستقیماً با طبیعت در ارتباط هستند. وودبری خاطر نشان می‌کند که روان‌زخم، توانایی انسان در مشاهده آشکار محیط خود و ارتباط با آن را مخدوش می‌کند؛ زیرا انسان و طبیعت به‌هم مرتبط هستند (۶). مصرف بی‌وقفه و رشد مداوم، طبیعت را به‌سمت پایان آخرالزمانی سوق می‌دهد که منجر به روان‌زخم می‌شود. همان‌طور که کتی کاروت اشاره می‌کند:

1. Judith Lewis Herman

گویی روان‌زخم بسیار بیشتر از آسیب‌شناسی یا بیماری ساده روان‌زخمی است. داستان زخمی است که فریاد می‌زند و ما را مخاطب قرار می‌دهد تا واقعیت یا حقیقتی را به ما بگوید که دیگر در دسترس نیست. این حقیقت و بروز دیرنگامش را نمی‌توان تنها به آنچه معلوم است نسبت داد، بلکه به آنچه در خود اعمال و زبان ما ناشناخته می‌ماند، ارتباط دارد (۴).

والتر به‌حدی نگران طبیعت است که روان‌زخم را تجربه می‌کند. وضعیت بغرنج وی سبب یادآوری دوران کودکی و جوانی آسیب‌دیده‌اش می‌شود: «به گفته دوستانش، والتر در محله‌های تنگ پشت دفتر متلی به نام کاج‌های نجوا بزرگ شده بود (۷۷)». پدرش الکلی بود، برادر بزرگ‌ترش والتر را همواره مورد ضرب و شتم قرار می‌داد، مادرش از نظر جسمی ناتوان بود و برادر کوچک‌ترش به‌شدت او را دوست داشت. با وجود تمام این مشکلات، والتر تلاش زیادی برای تایید والدینش انجام داد که بی‌نتیجه بود؛ بنابراین او برای تسکین روان‌زخم خود به طبیعت پناه می‌برد.

پیه کالا پانو<sup>۱</sup> در مقاله‌ی «اضطراب و بحران اکولوژیکی: تحلیلی بر اضطراب محیطی و اضطراب اقلیمی» اشاره می‌کند که غم و اندوه زیست‌محیطی با مشکلات روان‌شناختی دیگری در انسان مانند اضطراب‌های وجودی، در ارتباط هستند (۱۳). پانو ادعا می‌کند که اضطراب، تنها عامل ایجاد روان‌زخم، نیست و عوامل دیگری نیز در ایجاد آن موثرند. ارتباط نزدیک با طبیعت منجر به غم و اندوه اکولوژیکی می‌شود، زیرا اگر انسان با طبیعت سروکار داشته باشد، به‌وضوح متوجه پایان آخرالزمانی آن می‌شود. با مراقبت از طبیعت، نیازهای روانی انسان نیز، به دلیل ارتباط متقابل انسان و طبیعت، کاهش می‌یابد. والتر برای سرکوب روان‌زخم‌های زیست‌محیطی خود، مانند روان‌زخم‌های دوران کودکی، تلاش کرد؛ اما این روان‌زخم‌ها متفاوت بودند و او به‌تنهایی قادر به درمان خود نبود و نیاز به کمک داشت، بنابراین، از همسایگانش درخواست کمک کرد. بدین ترتیب، خودآگاهی والتر با تغییر عاقلانه دیدگاهش نسبت به محیط و مسوولیتش در برابر طبیعت، ارتقا می‌یابد. درواقع، انسان‌ها به‌طور غریزی برای درک معنای انحصاری احساس تروماتیک، تلاش می‌کنند و می‌کوشند هر نشانه‌ای را درک کنند و هنگامی که این علائم عجیب به‌نظر می‌رسد، این زخم‌ها را به‌مثابه آسیب تلقی می‌کنند. آن‌ها به این هرج‌ومرجی که به‌عنوان آخرالزمان زیست‌محیطی به‌تصویر کشیده می‌شود، از نظر

1. Pihkala Panu

روانی پاسخ می‌دهند.

والتر نیز مانند فرزن، نگران محیط زیست خود است. فرزن حتی در سفرهای کاری خود از تماشای پرندگان دست برنمی‌دارد و اعتراف می‌کند با حضور در طبیعت، دردهای خود را فراموش می‌کند: «رابطه من با پرندگان با همان اندوهی که از آن به دنبال پناهگاهی بودم، عجین شد» (۱۴۹). در آزادی، دوستش والتر را «پسر طبیعت» (۶۵) می‌نامد. والتر با وقت‌گذرانی در طبیعت احساس خوبی را تجربه می‌کند، «اما من در اینجا اوقات خوبی را سپری می‌کنم (۶۵)». وی از بودن در طبیعت راضی است:

او گفت: «نه، من دوست دارم ببینم چقدر از جست‌وجوی حیوانات لذت می‌بری». «بعد از آن مدتی که خیلی ناراضی بودی، دوست دارم تو را خوشحال ببینم. اگرچه فکر نمی‌کنم واقعاً طبیعت را درک کنم»<sup>[۳]</sup>. مردم درباره آرامش طبیعت صحبت می‌کنند، اما نظر من کاملاً برعکس است. این کشتاری دائمی است و از انسان هم بدتر و خطرناک‌تر است. (۴۹۰)

والتر به قدرت طبیعت در التیام غم زیست‌محیطی خود آگاه است. به همین سبب مشتاقانه به طبیعت علاقه‌مند است و غم و اندوه وی برای طبیعت، توسط خود طبیعت قابل درمان است. وقتی ریچارد، دوست صمیمی والتر، از پتی می‌خواهد به زندگی‌اش با والتر ادامه دهد، پتی اشاره می‌کند که والتر تنها در «دریاچه‌ی بی‌نام»<sup>۱</sup> زندگی می‌کند تا به طبیعت نزدیک و احساس بهتری داشته باشد. «نمی‌توانم، ریچارد. شش سال پیش شانسم را از دست دادم و حالا فکر می‌کنم او فقط می‌خواهد تنها بماند. او در خانه دریاچه زندگی و برای حفاظت از طبیعت آنجا تلاش می‌کند. اگر می‌خواست، همیشه می‌توانست با من تماس بگیرد» (۵۳۶). خود فرزن برای تسکین غم و اندوه خود به طبیعت پناه می‌برد. وی در مصاحبه‌ای با ریچل هارتیگان<sup>۲</sup> به این امر اشاره می‌کند: «چندین بار دچار روان‌زخم شده بودم. درست پس از مرگ مادرم، زمان زیادی برای تماشای دارکوب شمالی که اطراف خانه برادرم در سیاتل بود، صرف کردم» (هارتیگان، ۲۰۱۳). والتر منعکس‌کننده اضطراب‌ها و غم‌های زیست‌محیطی فرزن است.

## ۷- نتیجه‌گیری

جانانان فرزن در رمان آزادی تلاش می‌کند تا آگاهی انسان‌ها را از دنیای اطرافشان

1. Nameless Lake
2. Rache Hartigan



گسترش دهد. آستانه تحمل آسیب‌های زیست‌محیطی و احساس آخرالزمانی با توجه به غم و اندوه زیست‌محیطی که نتیجه نهایی بحران‌های زیست‌محیطی است، در رمان آزادی به وضوح قابل لمس است. مشکلات مداوم زیست‌محیطی، طبیعت را به پایان آخرالزمانی نزدیک کرده و فرزنن با تلاش، توجه انسان را به روان‌زخم آخرالزمان زیست‌محیطی جلب می‌کند. دوراهی بین محیط طبیعی و زندگی صنعتی در آزادی قابل‌رویت است. از نظر وی، نابودی طبیعت برابر با نابودی خود است؛ زیرا وی انسان‌ها را جزئی جدایی‌ناپذیر از طبیعت می‌داند. فرزنن فرد و محیطی که انسان‌ها را احاطه کرده، از هم متمایز نمی‌کند.

وی در آزادی به ظرفیت زمین برای بهبودی از آسیب‌های زیست‌محیطی و غم اکولوژیکی‌اش به دلیل پایان آخرالزمانی طبیعت خیرخواه اشاره می‌کند. فرزنن از طریق والتر به بررسی نقش طبیعت در ایجاد اضطراب به دلیل وضعیت فاجعه‌بار طبیعت می‌پردازد. با این حال، وی مراقب است تا نقش طبیعت را در بازسازی غم و اندوه زیست‌محیطی در انسان کشف کند. آگاهی از مسائل زیست‌محیطی در پرتو روان‌زخم آخرالزمانی، انسان را قادر می‌سازد تا مشکلات زیست‌محیطی را چون خودش جزئی از طبیعت است، چالش خود بداند. گرچه وضعیت آسیب‌زای طبیعت، به انسان آسیب می‌زند، اما خود طبیعت راهی برای درمانش می‌یابد. فرزنن نقش ویرانگر انسان را در نابودی موجودات زنده در طبیعت می‌شناسد. وی تلاش می‌کند توجه انسان را به مراقبت از تک‌تک موجودات زنده این دنیا معطوف کند. فرزنن در نقش والتر خود را درگیر بحران زیست‌محیطی می‌کند و سرانجام، آینده‌ای امیدوارکننده برای محیط زیست و بیداری انسان در مراقبت از محیط زیست خود را به تصویر می‌کشد. پیشنهاد وی این است که انسان‌ها باید برای التیام روان‌زخم‌های خود، به طبیعت پناه ببرند.

## ۸- تشکر و قدردانی

خاطر نشان می‌شود در فرایند تحقیق و تقریر این مقاله، از حمایت مالی هیچ نهاد و سازمانی استفاده نشده است.

## **Eco-Grief Induced Crisis: Resilience of Eco-Trauma and Sense of Ending in Jonathan Franzen's *Freedom***

Shokofeh Zorriyeh Habib<sup>1</sup>, Leila Baradaran Jamili<sup>2</sup>, Bahman Zarrinjooee<sup>3</sup>

### **Abstract**

**Introduction:** The role of nature is undoubtedly undeniable in literature. Due to environmental crises, addressing environmental dilemmas in literature is crucial. This research investigates eco-grief and eco-apocalypse in Jonathan Franzen's *Freedom* (2010). It is based on the interrelation of natural environment and eco-trauma and by focusing on apocalyptic feeling, it examines *Freedom*. This novel is a practical work depicted to enlighten humans to save nature. This interdisciplinary article relies on the correlation of ecocriticism, trauma, and apocalypse and to do so, Lawrence Buell's views on eco-apocalypse have been utilized. According to Buell eco-apocalypse is the only master metaphor of the current age as people have not understood the fact that the environment is under destruction and do not realize the seriousness of this crisis. Reflection of eco-grief in *Freedom* proves that Franzen is endeavoring to alter the attitude of humans towards nature to play an effective role in saving nature. His unity with the natural environment mirrors ecological issues in *Freedom*. Franzen informs and convinces humans to save the creatures that are unable to save themselves.

**Background of the Study:** This study intends to show Franzen's eco-traumatic and eco-apocalyptic views. Franzen (1959-) is one of the eco-aware American novelists and essayists whose attentiveness to the environment has been reflected in his life and works. He devoted his time to birds and their life. By publishing *Purity* in 2015 and *Crossroads: A Novel* in 2021, he highlighted his name as a great author

1. Ph.D. Student of English Literature, Department of Literature, Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Assistant Professor, Department of English Literature, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of English Literature, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran

who portrays family life. Franzen is known for the vividness of characters with the breadth of social insight. He has been introduced to a new universe by birdwatching and manifesting the importance of natural surroundings.

**Methodology:** This research applies an interdisciplinary approach that integrates ecocriticism, trauma, and apocalypse. The discussions will be conducted around eco-trauma, which according to Narine Anil, encompasses traumas that humans impose on nature or vice versa, the harms and traumas that are inflicted on humans by nature. Human beings have stood at a critical period in which the use of technology has resulted in the possibility of human extinction and catastrophic end of the environment. By using a qualitative approach based on theory, this article will focus on ecocriticism as its core building block. Although the risk of catastrophe is not so high, people should act consciously to change their behavior toward nature to avert calamity as the disaster will result in traumatic conditions for the human beings' psyche. Humans should take sufficient action to ameliorate the condition of the environment to improve human psyche; those, who are traumatized due to environmental crisis, try to help nature to restore itself. Hence, Franzen reflects his concern for such an environment in the postmodern apocalyptic world.

**Conclusion:** Franzen expands human knowledge of the surrounding world in *Freedom* by representing eco-trauma and a sense of ending. Ongoing environmental problems have turned nature into an apocalyptic end and Franzen gets human's attention to the traumatic ecological apocalypse. He hints at the capacity of the earth to recover from its ecological trauma and grief due to the apocalyptic end of benevolent nature. Franzen investigates the role of nature in causing anxiety due to the catastrophic state of nature; however, he is careful to explore this role in rehabilitating the ecological grief in humans. He portrays a hopeful future for the environment and humans' awakening for taking care of it and suggests that humans can take refuge in nature to heal their traumatic wounds.

**Keywords:** Nature, Eco-trauma, Eco-grief, Eco-apocalypse, Birds, Franzen, Lawrence Buell

## References

- [Blanco](https://www.bloomsbury.com/uk/author/jes%C3%BAs-blanco-hidalga/) [HYPERLINK](https://www.bloomsbury.com/uk/author/jes%C3%BAs-blanco-hidalga/) "https://www.bloomsbury.com/uk/author/jes%C3%BAs-blanco-hidalga/"Hidalga, Jesús. *The Romance of Community: Form and Ideology in Jonathan Franzen's Fiction*. 2015. Universidad de Córdoba, UCOPress, PhD dissertation.
- Buell, Lawrence. *The Environmental Imagination: Thoreau, Nature Writing, and the Formation of American Culture*. Cambridge: Belknap Press of Harvard UP, 1995.
- Buell, Lawrence. *The Future of Environmental Criticism: Environmental Crisis and Literary Imagination*. New York: Blackwell, 2005.
- Buell, Lawrence. *Writing for an Endangered World: Literature, Culture, and Environment in the U.S. and Beyond*. Belknap P: An Imprint of Harvard UP, 2001.
- Burn, Stephen. J. *Jonathan Franzen at the End of Postmodernism*. London: Continuum, 2008.
- Caruth, Cathy. *Unclaimed Experience: Trauma, Narrative and History*. Baltimore: The Johns Hopkins UP, 1996.
- Clayton, Susan, et al. "Beyond Storms and Droughts: The Psychological Impacts of Climate Change." Washington, DC: American Psychological Association and ecoAmerica, 2014, pp:1-51.
- Fava, Sergio. *Environmental Apocalypse in Science and Art Designing Nightmares*. New York: Routledge, 2013.
- Franzen, Jonathan. *Freedom*. New York: Farrar, Straus and Giroux, 2010.
- Franzen, Jonathan. "My Bird Problem." Jonathan Franzen. *The Discomfort Zone: A Personal History*. New York: Farrar, Straus and Giroux, 2006, pp:127-156.
- Franzen, Jonathan. *What If We Stopped Pretending?* New York: Harper Collins Publishers, 2021.
- Franzen, Jonathan. "Why Novelist Jonathan Franzen Loves Birds." Inter-

view by Rachel Hartigan. National Geographic, June 17, 2013, <https://www.nationalgeographic.com/adventure/article/130617-jonathan-franzen-bird-watching-conservation>.

- Glotfelty, Cheryl, and Harold Fromm, editors. *The Ecocriticism Reader: Landmarks in Literary Ecology*. Georgia: U of Georgia P, 1996.
- Herman, Judith Lewis. *Trauma and Recovery: The Aftermath of Violence—from Domestic Abuse to Political Terror*. New York: Basic Books, 2015.
- Joseph, Nicholas. *The Middle Fringe: David Foster Wallace, Jonathan Franzen, and the American Novel*. 2013. Wesleyan University, A thesis.
- Narine, Anil, editor. *Eco-Trauma Cinema*. New York: Routledge, 2015.
- Panu, Pihkala. "Anxiety and the Ecological Crisis: An Analysis of Eco-Anxiety and Climate Anxiety." *Sustainability*, Vol. 12, 7836, 2020, pp:1-20.
- Sanei, Dianooosh and Jalal Sokhanvar. "Cultural-environmental Discourse in Margaret Atwood's *The Handmaid's Tale*." *Criticle Language and Literary Studies*, Shahid Beheshti Publication, Vol. 14, Issue19, 2018, pp:209-232.
- Tommasi, Giorgia. "Gossip Between Social Media and Fiction: The Case of Jonathan Franzen's *Freedom*." *Annali di Ca' Foscari. Serie occidentale*, Vol. 49 – Settembre 2015, pp:253-269.
- Wallace-Wells, David. *The Uninhabitable Earth: A Story of the Future*. New York: Tim Duggan Books, 2019.
- Woodbury, Zhiwa. "Climate Trauma: Toward a New Taxonomy of Trauma." *Ecopsychology*, Vol. 11, No. 1, 2019, pp: 1-8.
- Zarrinjooee, Bahman. "The Discourse of Othering Nature: Postcolonial Ecocritical Reading of Wild Rare Animals in Amitav Ghosh's *The Hungry Tide*." *Criticle Language and Literary Studies*. Volume 14, Issue 18 - Serial Number 18, June 2018, pp: 103-132.